



کتاب «آزادی، هرج و مرج، زورمداری» مجموعه دو جلسه مناظره نمایندگان احزاب فعال در اوایل پیروزی انقلاب است. در این نشست‌ها آیت‌الله دکتر بهشتی به تبیین و بسط مسأله آزادی از دیدگاه خود و حزب جمهوری اسلامی پرداخته است. تعداد جلسات یادشده پنج جلسه بوده که تنها دو جلسه آن در این مجموعه منتشر شده است. مطالعه این دو جلسه، برای ارزیابی اجمالی خطوط فکری و سیاسی گروه‌های درگیر در آغاز پیروزی انقلاب و به ویژه بی‌گیری اندیشه نقاد و ژرف دکتر بهشتی راه‌گشا است. نوشته حاضر صرفاً به نقد و معرفی اندیشه آیت‌الله بهشتی در باب مسأله آزادی، که درباره آن مناظره و گفت‌وگو صورت گرفته است، می‌پردازد. بر این اساس ابتدا، اجمالی از مباحث مطرح شده توسط ایشان و آن‌گاه برخی ملاحظات درباره اثر می‌آید.

◀ مقدمه

آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی نامی آشنا برای جامعه ما است. مجاهدت‌های ایشان در طول سالیان متمادی برای به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و تحقق و نهادینه ساختن آزادی، و تلاش‌های مداوم و بی‌وقفه در جهت تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی در ایران مشهود و معروف است. اما آنچه از ابعاد فکری این شخصیت برجسته، ناشناخته مانده است، اندیشه‌های ژرف و تابناکی است که ایشان به شکلی نظام‌مند در زمینه‌های گوناگون ارائه کرده

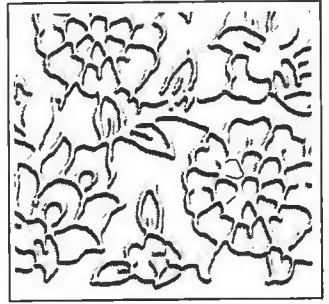
*دانش آموخته حوزه و کارشناس ارشد علوم سیاسی.

آزادی هرج و مرج، زورمداری

(مناظره‌ای با حضور شهید
دکتر بهشتی درباره آزادی)

شریف لک‌زایی*





و آن مجاهدت و تلاش را هدف، سامان و قوام بخشیده است.* یکی از آن زمینه‌ها و موضوعات گوناگونی که به طور گسترده در آثار و گفتار بهشتی خود را نمایانده است، مفهوم آزادی است. به جرأت شاید بتوان گفت که بنیاد و محور اساسی اندیشه آیت‌الله بهشتی آزادی است. و شاید با اندک تأملی در آثار بهشتی بتوان او را فیلسوف آزادی نامید. در واقع اندیشه او بر این باور و بنیان راستین استوار شده است که:

«انسان، شدنی است مستمر و پویایی خودآگاه، انتخاب‌گر و خودساز، و بر اساس آگاهی‌هایی که در فطرتش زمینه دارد و در پرتو تجربه و عمل بارور می‌شود، و با قدرت‌گزینشی آزاد که به او داده شده است، جهت این پویا سازنده را آگاهانه و آزادانه برمی‌گزیند و در جهت‌هایی که خود انتخاب و اختیار کرده است، رشد می‌کند، جلو می‌رود و ساخته می‌شود. ویژگی اساسی انسان همین خودسازی و محیط‌سازی آگاهانه و آزادانه اوست. ارزش او در همین است که می‌تواند آزادانه به راه خیر و فضیلت درآید، یا آزادانه به راه زشتی و شر و پستی و ناپاکی فروغلتد. و این است آزمون بزرگی که در آن شرکت دارد.»^۱

کتاب «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»^۲ مجموعه دو جلسه مناظره نمایندگان احزاب فعال در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی است که در آن زمان از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. هر کدام از افراد حاضر در گفت و گو به یک حزب و

* سوگمندان باید گفت اندیشه‌های ژرف این اندیشمند برجسته مسلمان در طول این سال‌ها در محاق رفته است. نشر اندیشه ایشان و تأکید بر مباحث و آثار وی می‌تواند پاسخ بخش‌هایی از مباحث متلاشه کنونی جامعه ما را فراهم سازد. اگر نشر مفتوح آثار ایشان در این سال‌ها از سوی انتشارات بقعه انجام نمی‌گرفت روشن نبود که چگونه نسل جدید با اندیشه‌های این عالم ژرف اندیش جهان اسلام آشنا می‌شد.



اصل در زندگی
انسان این است
که آزاد بماند و
آزادی او محدود
نگردد، مگر
محدودیت‌هایی که
اگر رعایت نشود،
به آزادی واقعی
خود او یا به
آزادی دیگران
لطمه زند.

جریان فکری و سیاسی وابسته است و آن را نمایندگی می‌کند. از جمله شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی که به نمایندگی از حزب جمهوری اسلامی در این گفت و گوها حضور یافته است و به تبیین و بسط مسأله آزادی از موضع دیدگاه خود و حزب جمهوری اسلامی پرداخته است. تعداد این جلسات پنج جلسه بوده است که با همت دست‌اندرکاران نشر بقعه تنها دو جلسه آن در این مجموعه منتشر شده است.^۳ گرچه فقدان سه جلسه دیگر در مجموعه، احساس می‌شود، اما همین دو جلسه نیز برای ارزیابی اجمالی پاره‌ای از خطوط فکری و سیاسی گروه‌های درگیر در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه پی‌گیری اندیشه نقاد و ژرف دکتر بهشتی می‌تواند راه‌گشا باشد. در این نوشته صرفاً به نقد و معرفی اندیشه آیت‌الله بهشتی در باب مسأله آزادی، که در اثر یادشده درباره آن مناظره و گفت و گو صورت گرفته است، پرداخته می‌شود. بر این اساس ابتدا اجمالی از مباحث مطرح شده توسط ایشان و آن‌گاه به برخی ملاحظات درباره این اثر اشاره می‌شود.

◀ معرفی محتوا

در ابتدای بحث، آیت‌الله بهشتی به ذکر ارزش آزادی و نشانه‌های انسان می‌پردازد. از نگاه وی در جهان بینی اسلام، انسان، شدنی است مستمر و پویایی خودآگاه، انتخاب‌گر و خودساز. بر این اساس، «اصل در زندگی این انسان این است که آزاد بماند و آزادی او محدود نگردد، مگر محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود، به آزادی واقعی خود او یا به آزادی دیگران لطمه زند.» (ص ۱۸) این بخش به طور کامل پیش از این در مقدمه نوشته حاضر نقل شد. به هر حال در همان نخستین مرحله ورود به سخن، و در پاسخ به پرسش از نسبت انسان مسلمان و آزادی، بر این نکته تأکید و تصریح شده که نشانه و ارزش انسان و اصل در زندگی آدمی و نشانه



پیشرفت و حیات انسان، همانا آزادی «از بردگی و بندگی و طبیعت» (ص ۲۹) است. این آزادی، چنان که پس از این نیز اشاره می‌شود، یک آزادی نسبی است، اما شرط اعمال و تحقق این آزادی چیست؟ پاسخ بهشتی به این پرسش، ویژگی دیگر انسان را نشانه گرفته است. از مجموع مباحث آیت‌الله بهشتی می‌توان از دو شرط اعمال آزادی یاد کرد: نخست، آگاهی و دانایی. به این معنا که خداوند به انسان این آزادی را داده است که در پرتو دانایی و آگاهی و در پرتو اعمال آزادی بتواند خودش را، محیط زندگی مورد تمایل و خواست خودش را، از قلمرو یک قانون بیرون بیاورد و به قلمرو قانونی که دلخواه اوست ببرد. شرط دوم تحقق و اعمال آزادی، خلاقیت و ابتکار است. در این مؤلفه، آدمی، آزادی و اراده و توان خویش را در تسخیر طبیعت و بهره‌مندی از مواهب الهی می‌آزماید.^۴ در واقع این آزادی و توانایی در نهاد آدمی به امانت نهاده شده است که «خودش را از حاکمیت طبیعت و قوانین طبیعی آزاد کند. یکی از مسائل، آزادی انسان است در برابر حاکمیت مطلق قوانین طبیعت» (ص ۳۰)

براین اساس، بهشتی بر این باور است که «از دیدگاه اسلام، انسان یک موجود ممتاز و برجسته است و بزرگ‌ترین ویژگی او همین است که آگاه آزاد است. او انتخاب‌گری است که آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کند.» (ص ۴۲)

در ادامه مباحث، بهشتی با نقد برداشت محدودگرایانه و بدبینانه نسبت به انسان و روشن کردن اینکه انسان گرفتار جبر اجتماعی و محیطی نیست، بر نشانه دیگر آزادی آدمی تأکید و تصریح می‌کند. بر این اساس معتقد است، علاوه بر اینکه انسان نباید آزادی دیگران را از آنان سلب کند، خود نیز نباید تن به ستم‌پذیری بدهد و آزادی خویش را از میان ببرد. به عبارت دیگر «ستم‌پذیری از دیدگاه اسلام همان اندازه، گناه است که، ستم‌گری. ای انسان، تو آزادی، به پاخیز! در برابر ستم طبقاتی، ستم‌گروهی، ستم‌شخصی، مقاومت کن! تو آزادی. اگر ستم‌پذیر شدی خود را ملامت کن.» (ص ۴۶). در ادامه این بحث، بر ضرورت اصلاح در محیط‌های فاسد اجتماعی تصریح می‌کند. طبیعی است که این اصلاح در راستای رها ساختن انسان و تحقق و نهادینه‌سازی آزادی خدادادی و گریز از استبداد است. بنابراین، استبدادگریزی نیز یک اصل اساسی است.

در جلسه دوم مناظره، اهتمام آیت‌الله بهشتی، تبیین اصول زیربنایی آزادی است. برای این منظور وی از شش اصل یاد می‌کند که به اختصار در زیر اشاره می‌شود:



۱. انسان، شدن، صیوررت، پویش و حرکتی است خودآگاه، محیط آگاه، خودساز، محیط ساز و انتخاب گر که بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه اش، هم خود را می سازد و هم در تغییر ساختار محیط طبیعی خود، دخالت گسترده دارد و محیط اجتماعی خود را می سازد. بهشتی در سایر مباحث و آثار خود این اصل را در تعریف مفهوم آزادی نیز به کار گرفته است.

۲. محیط اجتماعی، هم مخلوق و ساخته شده دست آدمی است و هم در ساختن انسان تأثیر و نقش دارد. اما در این ساختن، اصل، انسان و خودسازی درونی او است. بنابراین نقش اساسی و اصلی به خود انسان باز می گردد و سایر نقش ها مکمل اند.

۳. بر این اساس، انسان نه محکوم جبر طبیعی است و نه محکوم جبر اجتماعی و تاریخی، بلکه آدمی در برابر محدودیت هایی که طبیعت یا نظام اجتماعی و سیاسی برایش به وجود می آورد، قدرت مخالفت دارد. به باور دکتر بهشتی، این مسأله ناشی از بزرگ ترین نشانه انسان، یعنی آزادی و انتخاب کنندگی او است که به عنوان یک واقعیت اصیل و نه صرفاً یک حق می توان به آن توجه کرد.

۴. در چهارمین اصل آزادی، بهشتی به مناسبات فرد و جامعه و اصالت هر کدام می پردازد و بر این باور است که این دو دارای مناسبات تکاملی و متقابلی هستند که البته در آن، نقش فرد به عنوان مبدأ برجسته است. در حقیقت، حرکت های اجتماعی را کسانی به وجود آورده اند که توانسته اند با خودسازی، دانایی و آزادی خویش را افزایش دهند و از این راه در ایجاد حرکت های اجتماعی نقش آفرینی کنند. بر این اساس، حرکت های اجتماعی هنگامی پامی گیرند که بر پایه خودسازی و آزادی و آگاهی صورت گیرد. اما با این حال بهشتی بر این باور است که نمی توان از نقش محیط و جامعه غفلت کرد. به باور ایشان، محیط اجتماعی، هم می تواند نقش تسهیل کننده تغییرات درونی و هم نقش دشوار کننده آن را بر عهده داشته باشد. از این رو در هدایت کلی یک جامعه به سوی رستگاری، نمی توان نسبت به اوضاع اجتماعی به کلی بی اعتنا بود و به سازندگی صرف درون اکتفا کرد. به دیگر سخن، خودسازی یک شرط لازم، اما ناکافی است و شعار اصیل اسلامی این است که: «هر فردی خود را بسازد و در ساختن محیط نیز نقش خود را ایفا کند تا جامعه ساخته شود.» (ص ۷۹). این سخن بهشتی و تأکید بر درون و برون، البته ناظر به مسأله امر به معروف و نهی از منکر نیز می باشد که به این ترتیب نقش



آیت الله
دکتر بهشتی:
نشر یک طرفه
عقاید و افکار
ضد اسلامی
در جامعه اسلامی
ممنوع است.

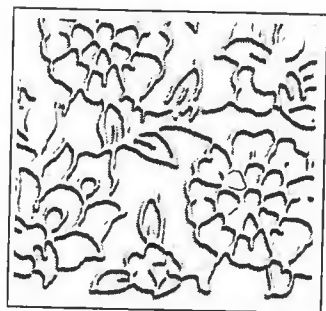
قابل توجهی در حرکت های عمومی و اجتماعی می یابد.
۵. با توجه به اینکه بهشتی به صورت منطقی به جلو گام می نهد
و به ویژه اینکه از نقش درون و برون در نکته چهارم سخن به میان
آورده است و مقام امر به معروف و نهی از منکر را در جایگاه
والایی می نشاند، اکنون نوبت آن است که بگوید آزادی انسان به
طور طبیعی در حیات اجتماعی و سیاسی محدود می شود. به دیگر
سخن، آزادی مطلق نیست و چنان که پیش از این اشاره شد،
آزادی نسبی است.

۶. ریشه محدودیت های قانونی آزادی از منظر بهشتی دو مسأله
است: «۱) اینکه آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران
ضربه نزند؛ ۲) آزادی هایی که محیط را فاسد می کند و زمینه ها را برای
رشد فساد در جامعه آماده می کند.» (ص ۷۹ و ۸۰). به باور بهشتی
محدودیت نخست در اسلام و لیبرالیسم مشترک است، اما محدودیت
دوم مختص یک جامعه اسلامی است و ریشه در تعالیم و آموزه های
اسلامی دارد و سلیقه ای هم نیست. از این رو به انسان ها اجازه داده
نمی شود که مطابق میل و هوا و هوس خود و هر جور دلشان بخواهد
زیست کنند.^۵

در ادامه این بحث بهشتی پرسش هایی را ناظر به نظام مارکسیستی
طرح می کند که آیا در چنین نظامی مردم، گروه و احزاب و ادیان و
مذاهب مختلف از آزادی برخوردار هستند یا خیر؟ در اینجا است که
مدافعان نظام و مکتب مارکسیسم از پاسخ دادن طفره می روند و در
برابر مطالب بهشتی که مستند به قانون اساسی برخی از این نوع
نظام است حرفی برای گفتن ندارند.^۶

آیت الله بهشتی در ادامه مباحث خود و با توجه به اصول زیربنایی
که برای آزادی مطرح کرده به بحث از انواع و فضاهای آزادی پرداخته
است و ابعاد و قلمرو برخی از آنها را می گشاید. در ادامه مباحث، با ذکر
اجمالی از این بحث، معرفی مباحث دکتر بهشتی را به پایان می برم.





◀ آزادی عقیده

در نظر آیت‌الله بهشتی، آزادی عقیده امری طبیعی است. اساساً هیچ باور و باوری قابل تحمیل نیست. هیچ گاه نمی‌توان باور و ایمان را با زور و اکراه و اجبار و حتی با تطمیع، به دیگری منتقل و یا از او سلب کرد. آنچه می‌تواند وسیله ایجاد یا سلب یک عقیده باشد، بحث و استدلال و تجزیه و تحلیل و مانند اینها است و نه زور و اجبار و تحمیل. در همین زمینه بهشتی از آیه ۲۵۷ سوره بقره نیز کمک می‌گیرد که می‌فرماید:

﴿ لا اکراه فی الدین - قد تبین الرشد من الغی ﴾؛ در دین اکراه راه ندارد. راه از بیراهه مشخص شده. هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، محکم‌ترین دستاویز را به دست آورده است که گسست ناپذیر است.^۷ روشن است که حضور و حیات یک عقیده در جامعه، مغایر با نادرست بودن آن نیست. چه بسا بسیاری از باورها و اندیشه‌ها که هیچ منزلت برهانی و عقلی ندارند و از منظر اسلام مردودند، اما دارای پایگاه و نقش گسترده‌ای در برخی جوامع هستند.

◀ آزادی بیان و تبلیغ

بهشتی در این بحث، ضمن تصریح و باور به آزادی بیان، به صراحت و آشکارا می‌گوید: «نشر یک طرفه عقاید و افکار ضد اسلامی در جامعه اسلامی ممنوع است و از انتشار کتب ظلال و نشریات گمراه‌کننده جلوگیری می‌شود، مگر آنکه با نشریاتی دیگر همراه باشد که به خواننده در تجزیه و تحلیل رسای این گونه عقاید و افکار ضد اسلامی کمک کند.» (ص ۱۳۱ و ۱۳۲). ایشان همین وضعیت را به بحث‌ها و سخنرانی‌ها نیز سرایت می‌دهد. به باور بهشتی جامعه اسلامی نه همچون جامعه‌های در بسته اردوگاه مارکسیسم است که انسان‌ها را در پشت دیوارهای آهنین نگه



دارد و نه همچون جامعه‌های لیبرال غربی است که بازار مکاره عرضه بی ضابطه آرا و افکار باشد، بلکه در این زمینه هم، به راستی، نه شرقی است نه غربی. (ص ۱۳۲) همچنین بر این باور است که از نشر مطالب توهین آمیز به مقدسات اسلام نیز جلوگیری می‌شود؛ زیرا هر جا ایمان هست، عشق و علاقه و حساسیت نیز هست و جریحه دار کردن این عشق‌ها و علاقه‌های مقدس، آزاد نیست. (ص ۱۳۳) نشر دروغ و تهمت و افترا و شایعه نیز گناه و ممنوع است و درخور کیفر و باید طبق ضوابط قانونی از آن جلوگیری شود. (ص ۱۳۴)

◀ آزادی احزاب و جمعیت‌ها

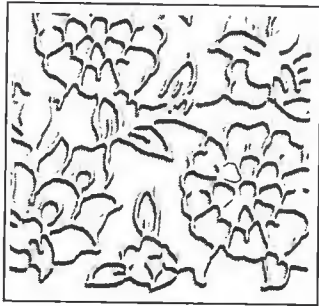
در زمینه آزادی احزاب و جمعیت‌های همفکر و هم هدف و دارای سازمان واحد، معتقد است می‌تواند با رعایت موازینی که در مورد آزادی بیان و تبلیغ گفته شد، به تبلیغ نظریات خود یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر پردازند. این آزادی در زمینه بیان نقطه نظرهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی با رعایت کامل اصول و احکام اسلام، هیچ گونه محدودیتی ندارد. همچنین «احزاب و جمعیت‌هایی که ملتزم به احکام و مقررات اسلام باشند می‌توانند به نسبت عادلانه از امکانات عمومی و مردمی، نظیر رادیو و تلویزیون، استفاده کنند. رادیو و تلویزیون هم نباید در انحصار یک گروه باشد.» (ص ۱۳۵) اجرای این مرحله البته مبتنی بر همکاری صمیمانه همه گروه‌ها است.

مجموعه مباحث فوق، مختصری بود از محتوای سخنان آیت‌الله دکتر بهشتی در مناظره با احزاب و گروه‌ها در ماه‌های آغازین سال ۱۳۶۰. البته ایشان در سه جلسه دیگر این میزگرد به بیان نقطه نظرات خویش پرداخته است، که جای خالی آن مباحث در این مجموعه همچنان احساس می‌شود. نگارنده امید دارد که این مجموعه در آینده نزدیک به طور کامل منتشر شود تا ضمن آگاهی و اطلاع از نقطه نظرات احزاب و گروه‌های روزها و سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، همگان از اندیشه ژرف و عمیق آیت‌الله دکتر بهشتی بهره ببرند و اندیشه‌های ایشان بتواند گرهی از مشکلات جامعه ما بگشاید.

◀ پاره‌ای ملاحظات

یکم. همه افراد حاضر از بحث و گفت‌وگوهایی این چنین، استقبال کرده و تضارب



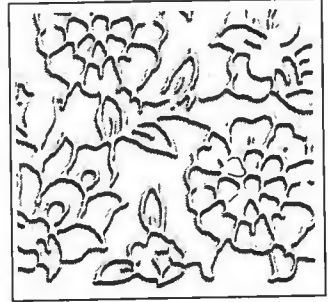


آرا را نشانه پیشرفت و ترقی و خدمت به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و گام به پیش ارزیابی کرده‌اند و تا حدی اغلب بر این باورند که گفت و گو می‌تواند زمینه‌های اختلاف و ناهمبستگی اجتماعی را از میان ببرد و زمینه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را پدید آورد و تقویت کند.

دوم. به گونه‌ای مشابه مشارکت کنندگان در بحث و گفت و گو بر این باورند که به شیوه‌های گوناگون و پس از پیروزی نیروهای آزادی خواه، این نیروها ممکن است به ضد خود تبدیل شوند. به عبارتی آزادی خواهان قبل از انقلاب و دیروز، مستبدان بعد از انقلاب و امروز بشوند. استدلال‌هایی نیز در این زمینه ارائه می‌شود و پاره‌ای از اعضا، مهار و کنترل درونی و هوای نفس و نیروهای شیطانی را چاره کار می‌دانند که در آن صورت فرد آزادی خواهی که قدرت را به دست می‌آورد، منش و روحیه آزادی خواهی خویش را حفظ می‌کند و مانع آزادی دیگران نمی‌شود. البته در این میان کسانی که نتوانسته‌اند درون خویش را از هوا و هوس‌های شر و شیطانی خالی نمایند، توان مقاومت در برابر این نیروها را ندارند و به ضد خود مبدل می‌شوند. این گونه افراد، با توجه به سلطه و قدرت افزونشان، در شمار موانع آزادی خواهی در خواهند آمد.

دیدگاه آیت‌الله بهشتی در همین زمینه و البته با توجه به سایر منابعی که از او در دست است، نهادینه ساختن آزادی است. به این معنا که نفی نظام استبدادی و ساقط کردن مستبدان از چرخه قدرت، یک بخش از رسیدن به آزادی و لازمه آن است، اما شرط کافی نیست. از این رو بر این باور است که برای تحقق آزادی، می‌بایست آزادی، از درون جامعه و از پایین سربرآورد و به بالا نیز سرایت کند. به دیگر سخن، آزادی می‌بایست در لایه‌های زیرین جامعه و در میان مردم و ذهن و





ضمیر و رفتار آنان ساخته و پرداخته و نهادینه شود. در نتیجه این مسأله، آن گاه که قدرت و مناصب عمومی و سیاسی توسط این افراد کسب می‌شود، شاهد تحقق خودکامگی و ایجاد مانع در راه آزادی‌های مشروع و اساسی مردم نخواهیم بود؛ زیرا یکی از اساسی‌ترین شرایط تحقق آزادی، که ساخته و پرداخته شدن آن در ذهن و رفتار غالب افراد جامعه است، مهیا شده است و در صورت سوء استفاده از آن نیز همین نیروها به مقابله با آن می‌پردازند.

سوم. برداشت نگارنده این است که پاره‌ای از اعضای حاضر در گفت و گو و عمدتاً طیف منسوب به چپ، بیش از دیگر اعضا، مشتاق گفت و گو دربارهٔ مصادیق و مباحث روز و جاری نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. و در مقابل، دکتر بهشتی و تا حدودی «پیمان»، اصرار بر شفاف شدن بنیادهای بحث آزادی داشتند. اهمیت این نکته و این تفاوت شاید در مرحله نخست، چیزی به شمار نیاید، اما بر جامعه علمی پوشیده نیست که شفاف شدن مباحث فکری و فلسفی که زیربنا و بنیاد هر بحثی به شمار می‌رود، چه تأثیرهایی را بر جای خواهد نهاد. به عبارتی وقتی بنیادهای فکری و فلسفی بحثی همانند آزادی روشن گردد، تفاوت و اختلاف دیدگاه‌ها نیز به روشنی بازتاب می‌یابد. می‌توان گفت تصریحات و تأکیدهای فراوان بهشتی بر روی انسان و نشانه‌های نهفته در او، به سبب روشن ساختن بعد اساسی و مهم آدمی یعنی انتخاب‌گری و آزادی او است. از این رو اختلاف اساسی این دیدگاه با کسانی که قائل به اندیشه مارکسیستی‌اند و انسان را در دام جبر اجتماعی و محیطی سرگردان می‌پندارند و به چند عامل محدود، آن هم به غیر از انسان، در تحرک اجتماعی و تاریخی باور دارند، کاملاً روشن است.

فرار از بحث در باب بنیادها، از سوی پاره‌ای از حضار متعهد به اندیشه‌های موجود در برخی کشورها را، که در دام اندیشه‌های

منطق دکتر بهشتی،
بر پایه انصاف و
عدالت و متانت
در گفت و گو،
در عین صلابت
و شفافیت
در تبیین
دیدگاه ها و
مواضع، استوار
است.

مارکسیستی گرفتار بوده اند و امروزه دیگر باید آن اندیشه ها را در موزه های تاریخ فکر جست و جو کرد، می توان از این زاویه نگریست که ترس از آشکار شدن سستی این بنیادها و مخالفت فکر آنها با آزادی خدادادی انسان مسلمان در تضاد کامل و اساسی قرار می گیرد و در نتیجه این مسأله برای همه روشن می گردد. کسی که «آدمی» را عامل محرک تاریخ و تحولات اجتماعی نمی داند و برای اراده و فکر انسان، ارزش و قدری قائل نیست، چگونه می تواند از آزادی «آدمی» سخن بگوید و از آزادی انسان دفاع کند.

چهارم. در پاره ای از موارد مباحث مطرح شده سایر اعضای حاضر در نشست (پیمان، فتاح پور و کیانوری) تبیین و توضیح و تکمیل مباحثی است که بهشتی ایراد کرده است. آنان ضمن بحث و پذیرش نکات مشترک، به مطالب بهشتی نیز پرداخته و تبیینی از آن ارائه داده اند که تقریباً همان مباحث دکتر بهشتی است و خواننده، تفاوت و تمایزی میان مباحث آنان با بحث دکتر بهشتی نمی یابد. این موضوع به ویژه در مباحث «فتاح پور» و «کیانوری» خودش را بیشتر نشان می دهد.

پنجم. نمی توان از این مسأله غفلت کرد که بهشتی به اهمیت و تأثیر چنین جلسات و گفت و گوهایی، باوری ژرف و عمیق داشته است. زیرا این گفت و گوها، جز در یک فضای صادقانه و شفاف شکل نخواهد گرفت و از این روی تأثیرهای خاص خود را بر مخاطبان برجای می نهد. منطق دکتر بهشتی، بر پایه انصاف و عدالت و متانت در گفت و گو، در عین صلابت و شفافیت در تبیین دیدگاه ها و مواضع، استوار است. در این میان طبیعی است، گروه هایی که حیات خود را در گرو غوغا سالاری و جنجال آفرینی می بینند از حضور در این گونه مناظره ها امتناع می کنند و از راه های دیگری تلاش در تحمیل دیدگاه ها و سلايق خود در جامعه دارند. آنچه که با اندیشه آیت الله بهشتی از اساس، متمایز و متفاوت است. استمرار و



تداوم حیات و پیشرفت مشروط به تضارب آرا و افکار است:
«در یک جامعه زنده، برخورد سالم و سازنده آرا و افکار، شرط زنده ماندن و پیشرفت کردن است.»^۸

جالب است که دکتر نورالدین کیانوری با توجه به فضای به وجود آمده تصریح می کند که: «حزب توده ایران جزو آن سازمان های سیاسی است که در دوران چهل ساله موجودیت خود خیلی کم از چنین امکانی برخوردار بوده و شاید هیچ گاه از چنین امکانی برخوردار نبوده است.» (ص ۱۸)

ششم. شاید این پرسش مطرح شود که طرح و انتشار چنین مباحثی چه سودی دارد؟ باید گفت تا کنون این سخنان و اندیشه ها و به خصوص اندیشه آیت الله دکتر بهشتی، به گونه شایسته و برجسته ای امکان طرح و انتشار نیافته اند. دیگر اینکه یکی از مشکلاتی که امروزه با آن مواجه هستیم، فقدان اندیشه های منسجم و نظام مندی است که توانسته اند به گونه درخوری با مسائل و بحران های زمانه خود برخورد کنند و به راستی راهبر و عالم زمانه خود باشند. سوم اینکه نشر این اندیشه ها موجب آشنا ساختن نسل جدید و جوان جامعه ایران با افکار و اندیشه های ژرف و فراموش شده دکتر بهشتی است. افزون بر اینها باید گفت این قبیل مباحث، پرتو افکنی، بر بخش های فراموش شده از تاریخ نهضت مردم ایران است.

هفتم. در برخی از موارد، جنبه های سلبی مباحث سایر شرکت کنندگان بیش از بیان جنبه های مثبت و ایجابی جلب توجه می کند. برای مثال دکتر کیانوری در دومین نوبت سخن خود به تمامه به نفی آزادی مطلق پرداخته و انواع محدودیت های آزادی و جبر اجتماعی و طبیعت را به تفصیل ذکر می کند. وی اشاره می کند که «آزادی مطلق برای یک انسان فقط در خیال و اندیشه تا حدودی می تواند وجود داشته باشد.» (ص ۳۲) در مقابل، دکتر بهشتی معتقد است:

«انسان در برابر جبر طبیعت آزاد است. خیلی از چیزها را که طبیعت محدود کرده، انسان گسترده تر می کند.»

«انسان محکوم جبر اجتماعی هم نیست. انسان در برابر حاکمیت آن قوانینی که به نام قوانین اجتماعی و سنت های اجتماعی و مکانیزم اجتماع و ماتریالیسم تاریخی و جبر تاریخی و جبر اجتماعی و جبر اقتصادی مطرح



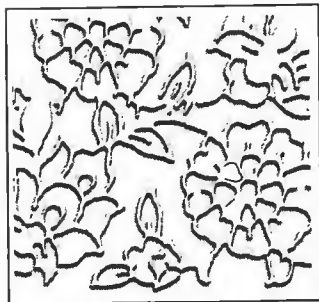
آزادی در یک
جامعه در شرایطی
محقق می‌شود
که همه گروه‌ها و
احزاب و جریان‌ها
به لوازم آن
ملتزم بوده و
سعی در
قانونمندی و
نهادینه ساختن
آن داشته باشند.

می‌شود، از دیدگاه اسلام، انسان دقیقاً در برابر این جبرها
آزاد است.^۹
دکتر مهدی فتاح پور نیز در ادامه گفته‌های دکتر کیانوری،
ضمن باور به جبر اجتماعی، به تفصیل به نقد آزادی در کشورهای
اروپایی می‌پردازد. (ص ۴۱-۳۸)
از این گذشته در پاره‌ای از موارد به صراحت دیکتاتوری
پرولتاریا پذیرفته شده و مورد تأیید قرار گرفته و در راستای خدمت
به مستضعفان و محرومان به شمار آمده است. سخن «فتاح پور»
در این باره خواندنی است: «دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دموکراسی
برای زحمت کشان و دیکتاتوری برای سرمایه داران و برای
امپریالیست‌ها» (ص ۱۲۹) دیکتاتوری، دیکتاتوری است و
دموکراسی، دموکراسی است و هر کدام اقتضائات خاص خود را
دارد. آقای فتاح پور نه تنها دیکتاتوری پرولتاریا را تأیید می‌کند،
بلکه از آن دفاع نیز به عمل می‌آورد و آن را یک مرحله از آزادی
بشریت و یک مرحله از آزادی مردم تلقی می‌کند. البته امروزه
بهرتر می‌توان درباره نظام سیاسی منسوب به دیکتاتوری پرولتاریا به
داوری پرداخت. نظامی که دیگر در موزه‌ها باید آن را جست‌وجو کرد.
هشتم. مطالعه مجموع مباحث دکتر بهشتی در این میزگرد و
مناظره، نشانگر آن است که حضور ایشان با مطالعه گسترده‌ای
همراه بوده است و اطلاعات خوبی درباره مسأله مورد بحث دارد.
به ویژه اینکه در بسیاری از مباحث - که نقدی است بر دیدگاه‌های
مطرح شده - به نکات دقیقی از اسناد و مکتوبات اشاره و ارجاع
می‌دهد که نشان از مطالعه ژرف و عمیق وی از مجموعه مباحث
اندیشه‌ای دارد.

نهم. چنین مناظره و میزگردی نشان می‌دهد که مسائل فکری
می‌بایست در یک فضای آزاد و برابر گفت و گو صورت گیرد و
چنان که بهشتی نیز معتقد است، اجبار و تحمیل و زور، اثربخش



نیست. این موضوع با توجه به اینکه این روزها بحث ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی و تولید دانش در مراکز علمی نیز در دستور کار است، می‌تواند ثمرات شیرینی را داشته باشد و روند تولید علم در حوزه دانش‌های معنایی را هموار سازد. به هر حال تولید دانش در یک فضای آزاد و امن و آرام صورت خواهد پذیرفت و فراهم آمدن چنین نشست‌هایی در حوزه مباحث فکری در شمار ضروریات تولید دانش است و به بارور شدن مجموعه دانش‌های ارزشی و فرهنگی و معنایی مدد می‌رساند.



◁ خاتمه

و سرانجام اینکه آزادی در یک جامعه در شرایطی محقق می‌شود که همه گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها به لوازم آن ملتزم بوده و سعی در قانونمندی و نهادینه‌ساختن آن داشته باشند. آزادی به هیچ روی با زورمداری و هرج و مرج همسفره نخواهد شد. حوادث سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران نشان داد که می‌توان به نحو حداکثری از آزادی برخوردار بود. انتشار انبوه نشریات با سلايق گوناگون و نیز انجام دادن مناظراتی با حضور یک مقام برجسته نظام، در کنار سایر احزاب و به صورت آزاد و برابر، خود، نشان از وجود فضای مساعد و مطلوب آزادی در جامعه و به ویژه رسانه‌های جمعی دارد. اما در این میان گروه‌های افزون‌خواه با سوءاستفاده از شرایط موجود و ایجاد ناامنی و جنجال و آشوب، وضعیت هرج و مرج گونه‌ای را به وجود آوردند که با اهداف انقلاب اسلامی ناسازگار بود و به نوعی تهدید آزادی نیز به شمار می‌رفت. از عنوان اثر برمی‌آید که «آزادی» در فضای فارغ از استبداد و زورمداری و هرج و مرج به بار نشسته و محقق می‌شود.



■ پی‌نوشت

۱. آزادی، هرج و مرج، زورمداری، مناظره آیت الله بهشتی، دکتر حبیب الله پیمان، دکتر نورالدین کیانوری، مهدی فتاح پور، تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله دکتر بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۱، ص ۱۳ و ۱۴.
۲. مشخصات کتاب شناختی اثر مذکور به این قرار است: آزادی، هرج و مرج، زورمداری. مناظره آیت الله بهشتی، دکتر حبیب الله پیمان، دکتر نورالدین کیانوری، مهدی فتاح پور. پیشین، ۱۶۸ صفحه.
۳. در توضیح بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله شهید بهشتی آمده است که دو سال تلاش پیگیر از طرق گوناگون به جهت دست آوردن نوارهای جلسات باقیمانده از آرشیو سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ناکام مانده است، نوار دو جلسه منتشر شده نیز در همان سال‌ها توسط یکی از علاقه‌مندان ضبط شده است و در اختیار بنیاد جهت نشر قرار گرفته است. امید اینکه با توجه به جایگاه این اثر در منازعات فکری سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، به زودی این مجموعه به طور کامل به دست خوانندگان برسد.
۴. آزادی، هرج و مرج، زورمداری، ۲۸-۳۰.
۵. همان، ص ۷۷-۸۰.
۶. به ویژه بنگرید به همان، ص ۱۰۸.
۷. همان، ص ۱۳۱، (ترجمه آیه مورد اشاره از دکتر بهشتی است).
۸. همان، ص ۱۵.
۹. همان، ص ۴۲ و ۴۳، بهشتی با تکیه بر آموزه‌های دینی معتقد است: «۱. هیچ انسانی محکوم هیچ جبر اجتماعی نیست. ۲. ولی، کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی، روی انتخاب آگاهانه انسان اثر می‌گذارد، امانه در حد جبر، بلکه در حد اینکه انتخاب او را آسان‌تر کنند یا دشوارتر.» همان ص ۴۴.
۱۰. بنگرید به: سخنان مهدی فتاح پور در همان، ص ۲۹-۱۳۰.

